

# همه بخانه سید

کوروش از خانواده‌ی هخامنش و از طایفه‌ی پاسارگاد، یکی از طوایف چادرنشین پارس (ناحیه‌ای که مسجد سلیمان امروز قسمتی از آن است) و از نژاد آریایی‌های ایرانی بود. وی پس از پیروزی بر مادها توانست با حمله و تصرف سرزمین لیدی (۵۴۶ ق. م) و بابل (۵۳۹ ق. م) و بسیاری از شهرهای یونانی آسیای صغیر، امپراتوری بزرگی پدید آورد. اساس سیاست کوروش را می‌توان از منشور معروف وی که در بابل در زمینه‌ی احترام به آزادی مذهب و حقوق ملل مغلوب صادر کرد، دریافت. وی پایه‌های سلطنت خود را بر بخشندگی و اخلاق نیکو قرار داده بود [دورانت، ۱۳۶۶: ۴۰۸].

وی در جنگ با قبایل بدوی «ماساژت» که از قبایل گم‌نام سواحل جنوبی دریای خزر بودند، در سال ۵۲۸ ق. م کشته شد. جسد وی را به پاسارگاد آوردند و در مقبره‌ای گذاشتند [دورانت، ۱۳۶۶، ج ۱: ۴۰۹؛ ممتحن، ۱۳۵۵، ج ۱: ۲۰۸؛ گیرشمن، ۱۳۶۴: ۱۴۳-۱۴۲].

پس از مرگ کوروش، کمبوجیه (۵۲۲-۵۲۹ ق. م) سلطنت کوتاهی داشت. وی موفق شد به مصر حمله کند و آرزوی پدر را در تصرف مصر برآورده سازد. پس از کمبوجیه، داریوش (۴۸۶-۵۲۱ ق. م) حکومت هخامنشیان را به دست گرفت. در دوره‌ی حکومت داریوش، قلمرو امپراتوری گسترش یافت و دارای سازمان منظم کشوری شد. فرهنگ و تمدن ایران در این دوره در اوج شکوفایی خود قرار گرفت. کشور دارای سیستم منظم قضایی - لشکری، جمع‌آوری منظم مالیات، و ایجاد راه‌های ارتباطی میان پایتخت‌های هخامنشی (همدان، شوش و بابل) و... گردید [دورانت، ۱۳۶۶، ج ۱: ۴۲۱-۴۱۶؛ گیرشمن، ۱۳۶۴: ۱۸۳-۱۴۷].

رشد آموزش هنر

۵۶  
دوره پنجم / شماره دو  
زمستان ۱۳۸۶

## تأثیر هنر سایر ملت‌ها بر هنر دوره‌ی هخامنشی

با گسترش قلمرو هخامنشیان، از هر گوشه‌ی جهان طلا به گنجینه‌ی ایشان روان بود. دیگر پادشاه ایران زندگی خشن یک سرباز را ادامه نداد، و به ساختن قصرها و پایتخت‌های وسیع روی آورد. بناهایی با عظمت و ظریف‌تر از نظایر خود که به دستور پادشاهان قدرتمند بابل و آشور ساخته شده بودند، در قلمرو هخامنشی ایجاد شدند. عظمت این بناها به منظور ایجاد تعجب همه‌ی کسانی بود که از نقاط دور و نزدیک برای تقدیم هدایا و یا اظهار اطاعت به آن‌جا می‌آمدند [گیرشمن، ۱۳۶۴: ۱۸۳].

سلسله‌ی هخامنشی نه تنها از لحاظ سیاسی جانشین سلسله‌ی ماد شده بود، بلکه وارث اقتدار و فرهنگ و هنر ایشان نیز بود. آثار این دوره برخلاف دوره‌ی مادها، بسیار است. که نشان از کوشش هنری این سلسله دارد [ضیاء‌پور، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۴۹-۱۴۸].

پادشاهان بزرگ هخامنشی، از ارزش واقعی تمدن‌های چند هزار ساله‌ی مشرق زمین بی‌اطلاع نبودند. بنابراین استقلال آن‌ها را حفظ کردند؛ هر چند این امر گاهی باعث ضعف حکومت مرکزی گردید [گیرشمن، ۱۳۷۷: ۲۷۴]. هنر هخامنشی ترکیبی از هنرهای ملت‌های مختلف است. از میان این تمدن‌های قدیمی، تمدن «اورارتو» و تمدن «ایلام» بیش از تمدن آشور و بابل در تشکیل هنر هخامنشی مؤثر بودند [همان، ص ۳۷۲؛ هوار، ۱۳۶۳: ۸۵-۸۳].

ویل دورانت معتقد است که چون پارسیان تمام تلاش خود را در گسترش و بنای امپراتوری خود صرف کرده بودند، دیگر فرصت فکرکردن و پرداختن به هنر را نداشتند. بنابراین مانند رومیان، در مورد هنر، بیشتر توجه ایشان به چیزی بود که از خارج ایران زمین وارد می‌شد. البته ذوق زیباشناسی داشتند، ولی ساختن چیزهای زیبا را برعهده‌ی هنرمندان بیگانه، یا بیگانگان

هنرمندی که در داخل خاک ایشان به سر می‌بردند، می‌گذاشتند» [دورانت، ۱۳۶۶: ۲۷۴]. ولی با تحقیقات و کشفیات به عمل آمده به وسیله‌ی باستان‌شناسان، هم اکنون مسلم است که معماری و هنر ایرانی عهد هخامنشی هنری ترکیبی و اقتباسی است؛ با توجه به این نکته که ایرانی این شیوه‌ها و سلیقه‌های مختلف را با هم ربط داده و تناسبی مابین آن‌ها ایجاد کرده است [پیرنیا، ۱۳۶۹، ج ۲: ۱۷۳-۱۷۲].

گیرشمن، به اهمیت اقتباس هنر ایرانی در هنر تمدن‌های قدیم مشرق زمین اشاره می‌کند و معتقد است که پارسیان «نمی‌توانستند صبر کنند تا هنرشان در نتیجه‌ی تکامل تدریجی به درجه‌ی پختگی برسد» [گیرشمن، ۱۳۷۷: ۲۲۲]. هنر هخامنشی با جهان مردگان و جهان خدایان (ساختن معابد) کاری نداشت [همان، ص ۳۷۲؛ ممتحن، ۱۳۵۵، ج ۱: ۲۱۷] و به‌طور کلی می‌توان گفت که سهم شرکت در هر یک از



معصومه امیری

هنرهای «ملل تابعه» در هنر ایران، امروزه نتایج محدودی به وسیله‌ی اکتشافات باستان‌شناسان معین شده است. تأثیرات معماری «اورارتو» در بناهایی مانند «کعبه‌ی زرتشت» در نقش رستم و «زندان سلیمان» در پاسارگاد دیده می‌شوند که مانند برج‌های عبادتگاه‌هایی «اورارتویی» ساخته شده‌اند [شکوهی، ۱۳۷۴، ج ۵: ۶۳۹].

طرح کاخ‌های تخت جمشید نیز به کاخ‌های «اورارتو» شباهت دارد. این نوع ساختمان‌ها دارای ایوانی بودند که مقابل تالار اصلی قرار داشت و سقف آن روی تیرهای چوبی تکیه می‌کرد. شاید بتوان آرامگاه‌هایی را که در صخره‌های کوه تراشیده شده‌اند، یکی از نمونه‌های اولیه‌ی آن‌ها بدانیم. فقط کاخ شوش ظاهراً به علت فرارداشتن در هوای گرم جلگه، این گونه نیست و طبق طرح ایلامی ساخته شده است. به این صورت که در اطراف یک حیاط مرکزی، اتاق‌هایی برای سکونت بنا کرده‌اند. بنابراین شواهد می‌توان هنر هخامنشی را دنباله‌ی هنر «ماد» و هنر آسیای غربی دانست. اگر تمام عناصر خود را از این دو منطقه نگرفته باشد، لااقل قسمتی از آن را گرفته است. البته ایشان تنها به تقلید کورگورانه بسنده نکردند، بلکه در آن دخل و تصرفاتی نمودند [گیرشمن، ۱۳۷۷: ۲۲۲].

برخی پنداشته‌اند که هنر هخامنشی پس از تخت جمشید در حالت رکود باقی مانده است، اما بناهایی که در تخت جمشید پس از داریوش (۵۱۸ ق. م تا اردشیر اول ۴۲۴ ق. م) ساخته شدند، حتی در جزئیات به وسیله‌ی داریوش تنظیم شده بودند و این تبعیت از برنامه‌ی معین را نباید، دلیل رکود هنری دانست. البته در هنر معماری هخامنشی تحولی از جهت فنی صورت نگرفت و هیچ‌گاه این هنر سعی نکرد که به دقت در بیان حالت اشخاص بپردازد. این هنر نتوانست خود را از قانون

مساوی بودن قد اشخاص رها کند و در تجسم بعد سوم نیز نکوشید. تنها به نیم‌رخ قناعت کرد و اشخاص را با قیافه‌های جدی و رسمی و تا اندازه‌ای سرد، نشان می‌داد. البته گاه سنگ تراش تلاش می‌کرد تا به آن روح بدهد و این کار در زمان اردشیر اول، در شوش و تخت جمشید انجام گرفت [همان، ص ۲۲۳-۲۲۲].

پادشاهان هخامنشی به یک پایتخت قناعت نمی‌کردند. کوروش قبل از ساختن پاسارگاد در شوش اقامت داشت. سپس اکباتان و بابل را به عنوان پایتخت خود انتخاب کرد. آثار هنر معماری هخامنشی را پیش از همه می‌توان در دو منطقه‌ی شوش و پارس یافت.

### کاخ شوش

داریوش، پس از مدتی کوتاه که در بابل اقامت کرد، شوش را (حدود ۵۲۱ ق. م) پایتخت خود قرار داد. در شوش، پیش از این، معابد و قصرهای عیلامی بنا شده بودند که هنگام حمله‌ی آشوربانی پال تخریب شدند. داریوش دستور داد در آن جا قلعه‌ای مستحکم ساختند و روی تپه‌ی مجاور، کاخ آپادانه-تالار بار-را بنا کردند. در جهت شرقی‌تر، جدا از کاخ به وسیله‌ی خیابانی پهن، شهر با خانه‌های درباریان، عمال و تجار گسترش یافت. مجموعه‌ی این بناها به وسیله‌ی دیواری محکم از آجر خام احاطه شده بود که برج‌هایی برجسته داشت. در کنار پایه‌ی این دیوار خندقی عریض حفر کردند که از آب پر می‌شد. این خندق شهر را محاصره می‌کرد و آن را به صورت جزیره‌ای غیرقابل تسخیر درآورده بود [گیرشمن، ۱۳۶۴: ۱۸۳؛ رجیبی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۲۵۷-۲۵۹].

از بازمانده‌ی کاخ شوش لوحی به دست آمده است که طی آن داریوش نشان می‌دهد، در بنای این‌گونه ابنیه چگونه از اجزای گوناگون امپراتوری استفاده شده است. در

کتیبه از قول داریوش نوشته شده است: «این کاخ را من ساختم-زیور آن از راه دور آورده نشده... زمین‌کنده شد تا این که به خاک سخت (کف سنگی) رسیدم و خندق درست شد... سپس قله‌ی سنگ و شفته در آن انباشته شد. در طرفی به بلندی ۲۰ اوش روی آن شفته، کاخ بنا گردید. کند و کوب و انباشتن و خشت‌هایی که در قالب زدم، کار مردم بابل بود. الوار کاخ از کوهی آورده شد که آن را لبنان گویند. مردم آشور آن را به بابل و مردم کار که و یونانیان آن را از بابل به شوش آوردند... آنان که از عاج خاتم می‌ساختند، بابلی یونانی بودند. آن‌ها که به تزیین دیوار پرداختند، مادی و مصری بودند [بوپ، ۱۳۶۵: ۳۱-۳۰].

بنابر نوشته‌ی این کتیبه و نیز نوشته‌های مورخانی چون دیو دوروس یونانی و پلینی رومی، اجزای متفاوت این ترکیب هماهنگ که معماری هخامنشی نام دارد، مخصوصاً از معماری بین‌النهرین-آشور و بابل تا حدی نیز از معماری مصر و معابد آن متأثر است [زرین کوب، ۱۳۶۸، ج ۱: ۲۲۳].

باید توجه داشت، این همان راهی است که تمدن‌های قبل از هخامنشیان نیز از آن عبور کرده‌اند. چنان که اورارتیان هنر را از آشوریان و تمدن‌های آسیای صغیر یا بین‌النهرین به عاریت گرفتند و یا آشوریان که دنباله‌رو هنر سومری-اکدی، هوری و هیتی بودند. با این تفاوت که هنر هیچ ملتی به شکوه و جلال هنر هخامنشی دست نیافت [گیرشمن، ۱۳۶۴: ۲۰۰].

### کتیبه‌ی بیستون

میان کرمانشاه و همدان، کوه بیستون قرار دارد که در دوره‌ی هخامنشیان به آن «بغستان» (جایگاه خدایان) می‌گفتند. در این جا روی صخره‌ای با حدود ۶۰ متر ارتفاع، یادگار بزرگ تاریخی داریوش اول قرار دارد. از این محل جاده‌ی بسیار قدیمی کاروان رویی می‌گذشت. این جاده به خاور

دور متصل می شد و بعدها نام «جاده ی ابریشم» به خود گرفت. کوه بیستون از دیرباز اهمیت دینی داشت. این جا نزدیک محلی است که داریوش و دوستانش، توطئه ی گئومات غاصب را در اقامتگاه تابستانی اش خفه کردند! در این سنگ نوشته، داریوش چگونگی سرکوبی شورش گئومات و شورش های دیگر را ذکر کرده است. کلمات داریوش چنین است: «داریوش، شاه گوید: اکنون آن چه به وسیله ی من کرده شده، تو را باور آید. هم چنین به مردم بسیار! نهن مدار! اگر این گزارش را پنهان نداری، به مردم بگویی اهورامزدا دوست باد و دودمان تو بسیار و زندگی ات دراز باد! داریوش، شاه گوید: اگر این گزارش را پنهان بداری، به مردم نگویی، اهورامزدا دشمن تو باشد و تو را دودمان نباشد!»

این کتیبه روی صخره ای هموار و مستطیل شکل به ابعاد ۵/۵ یا عرض ۳ متر حک شده است. داریوش ایستاده، با لباسی پارسی و کفش و بازوبند و تاج کنگره داری بر سر، به رویه رو می نگرد. کماتی در دست چپ دارد که نشانه ی فرمانروایی است. دست راست وی تا سطح چهره بالا آمده است. پای چپ را بر سینه ی مردی (گئومات) نهاده است. گئومات نیز لباس پارسی بر تن دارد و دست هایش را به نشانه ی فرمان برداری بلند کرده است. در سمت راست تصویر، گروه شورشیان در حالی که دست هایشان از پشت بسته شده و طناب درازی از گردنشان آویخته و ایشان را به هم متصل کرده است، به سوی شاه قدم برمی دارند. اندازه ی ایشان کوچک تر از شاه است. در دو سو و زیر این نقشه برجسته، کتیبه ای به سه زبان: پارسی باستان، عیلامی و بابلی به چشم می خورد [ویسهورف، ۱۳۸۰: ۲۹-۳۱].

### سرزمین پارس

سرزمین پهناور پارس، علاوه بر این که زادگاه نخستین شاهنشاهی بزرگ ایران (هخامنشی) در اواسط قرن ششم قبل از میلاد بود، از قدیمی ترین مراکز تمدن های باستانی ایران به شمار می آید. آثار هنری و نمونه های صنایع دوران پیش از تاریخ مربوط به هزاره ی چهارم ق. م نیز در دل تپه ها و دامن دشت های این منطقه به دست آمده است. در دوره ی عیلامیان نیز این سرزمین (قسمت های غربی، جنوبی و مرکز آن) قسمت شرقی قلمرو عیلام بوده است. نقش های برجسته آن عهد در کوهستان های پارس، گواه وجود تمدن عالی ایرانی در این منطقه است. آثار باقی مانده از کاخ های عظیم هخامنشی در پاسارگاد و تخت جمشید، و ساختمان ها و آرامگاه های گوناگون همان دوران در ویرانه های استخر و نقش رستم و... نشانه های دیگر از فعالیت ساختمان سازی آن عهد در نقاط پراکنده ی فارس است [مصطفوی، ۱۳۷۵: ۱ و ۲].

### پاسارگاد

در راه اصفهان به شیراز (کنونی)، «قادر آباد» قرار دارد و ده کیلومتر بعد از قادرآباد، دشت مرغاب دیده می شود [همان، ص ۹-۸]. این منطقه که در زمان هخامنشیان «پاسارگاد» نامیده شده است، در واقع مقر سلطنتی کوروش بود. وی آن را طبق روایات در محل غلبه ی قطعی بر استیاگس، آخرین پادشاه مادی بنا کرد. برخی از دانشمندان معتقدند که نام این شهر، تصحیفی است از «پارسه گد»<sup>۵</sup> به معنی «اردوگاه پارسیان» و اگر این نظر درست باشد، این شهر در حقیقت اردوگاه وسیعی بود. دیواری حایل آن را در برمی گرفت و در داخل این محوطه باغ ها، قصرها و معابدی بنا کرده بودند [گیرشمن، ۱۳۶۴: ۱۴۵-۱۴۴].

پس از مرگ کوروش، آرامگاه او نیز در این محوطه ساخته شد که بقایای آن تاکنون

برجاست. در نظر بسیاری از دانشمندان هنر پاسارگاد بسیار مهم تر از هنر تخت جمشید است [همان، ص ۱۴۶؛ تاجبخش، ۱۳۵۵: ۱۴۹-۱۴۳]. در پاسارگاد، ارگ بر ارتفاعی ۱۹۰۰ متری بنا شده که اطراف آن را باغ های آبیاری شده فراگرفته بود. مجموعه ای



از کاخ ها (کاخ بار کوروش، کاخ دارای نقش انسان پال دار و کاخ اختصاص کوروش)، ساختمانی برای مراسم سلطنتی (زندان سلیمان)، «ناحیه ی مقدس» با دو آتشکده و آرامگاه کوروش به شکل خائنه ای با سقفی شیب دار که بر پله های سنگی بنا شده بود، در آن جا وجود داشت [مصطفوی، ۱۳۷۵: ۱۲-۱۰؛ ویسهورف، ۱۳۸۰: ۴۳].

مهم ترین اثر باقی مانده در پاسارگاد که تاکنون مورد توجه قرار گرفته، آرامگاه کوروش است. نام محلی این بنا که از سنگ سفید ساخته شده، «قبر مادر سلیمان» است. بنا شامل اتاق چهارگوشی است، بالای سکوی شش طبقه و ارتفاع کل آن بیش از ۱۱ متر است. محوطه ی درونی اتاق آرامگاه ۳/۵ متر طول و ۲/۱۰ متر عرض و بلندی دارد. از زیر سقف اتاق تا سطح بالای بام آرامگاه، حدود سه متر فاصله است. در این فاصله محل دو قبر تعبیه شده بود که یکی را مدفن کوروش و دیگری را مدفن همسر او

کاسان دان، مادر کمپوجیه دانسته‌اند. اندازه‌های یکی از دو قبر دو متر در یک متر و دیگری ۱/۹۵ در ۰/۹۵ متر است که به وسیله‌ی دهلیز باریکی به طول یک متر و عرض ۳۵ سانتی متر با یکدیگر مربوط می‌شوند. ارتفاع قبرها و دهلیز یکسان و بیش از ۸۷ سانتی متر است. این دو قبر با این که بین سقف زیری اتاق و بام آرامگاه قرار داده شده بودند، در دوره‌های بعدی مورد دستبرد قرار گرفتند. و به طمع گنجینه، بقایای اجساد نیز از بین برده شد [مصطفوی، ۱۳۷۵: ۹۰-۹۱]. گبرشمن معتقد است که قرار داشتن آرامگاه کوروش روی چند تخته سنگ بزرگ شاید نشانه‌ای از نمایش کوه باشد. و احتمال دارد این سبک معماری ارتباطی با پرستش ستارگان داشته باشد که آن خود نیز از زیگورات الهام گرفته است [گبرشمن، ۱۳۷۷: ۲۳۰].

علاوه بر کاخ‌های نام برده، آثار مکان‌های دیگری نیز در پاسارگاد به چشم می‌خورد، از جمله «تخت سلیمان». بر فراز کوهستان شمال جلگه‌ی پاسارگاد، صدفه‌ی زیبایی با دیوارهایی از سنگ‌های بزرگ سفید رنگ وجود دارد که باستان‌شناسان در بالای آن آثاری از اتاق‌های خشتی پیدا کردند. از روی ظرف‌های سفالی کشیده شده در این منطقه می‌توان حدس زد که این جایگاه بلند قبل از دوران هخامنشی نیز مسکن مردمانی بوده و به احتمال زیاد از این محل به عنوان عبادتگاه استفاده می‌شده است که کوروش نیز آن را چون مکانی مقدس ساخته و پرداخته بود.

در شمال غربی کاخ اختصاصی کوروش، با فاصله‌ی حدود یک کیلومتر و نیم، دو تخته سنگ بزرگ به چشم می‌خورد که آن را آتشگاه یا قربانگاه پاسارگاد می‌دانند. زیرا در دوران هخامنشی، نیایش خدای یکتا در فضای باز برابر آتش مقدس صورت می‌گرفته است. آثار پاسارگاد در سال ۱۳۱۰ ش ذیل شماره‌ی ۱۹، در فهرست آثار ملی

ایران به ثبت تاریخی رسیده است [مصطفوی، ۱۳۷۵: ۱۴-۱۵].

هنر پاسارگاد ترکیبی از گاوهای نر بال دار آشوری، مجسمه‌های هیتی و بابلی، و علائم مخصوص مصری، و اصولاً تصویری است که از فرهنگ ملی که در آن زمان به درجه‌ی ترقی رسیده بود. هنرمندان در پاسارگاد با اقتباس از هنر دیگران، آن‌ها را به هم پیوسته و متعادل نمودند و هنر جدیدی در معماری به وجود آوردند که به معماری هخامنشی معروف شد. از نظر بسیاری از دانشمندان، هنر پاسارگاد مهم‌تر از هنر تخت جمشید است. پاسارگاد حتی پس از بنای تخت جمشید اهمیت خود را به عنوان مرکز تشریفات و برگزاری آیین‌های پارسی حفظ کرد [گبرشمن، ۱۳۶۴: ۱۴۶؛ ویسهوفر، ۱۳۸۰: ۴۳].

### تخت جمشید (پرسپولیس)

داریوش اول پس از پایان یافتن بنای کاخ شوش، تصمیم گرفت مقر دیگری در سرزمین پارس ایجاد کند. از این زمان به بعد، از پاسارگاد تنها برای مراسم تاج‌گذاری پادشاهان هخامنشی استفاده می‌شد. داریوش ساخت این مرکز را حدود سال ۵۱۵ ق. م آغاز کرد. از تخت جمشید برای برگزاری جشن‌های بزرگ و نیز به عنوان مرکز اداری استفاده می‌شد. آن را با مصالح و نیروی انسانی سراسر امپراتوری ساختند که نشان‌دهنده‌ی پشتیبانی همگانی رعایای شاه از اوست [ویسهوفر، ۱۳۸۰: ۳۸].

ساختمان تخت جمشید در زمان داریوش آغاز و در دوره‌ی اردشیر اول و خشایارشا تکمیل شد. این مقر را در پارس در دامنه‌ی کوه رحمت، روی صدفه‌ای وسیع به طول ۴۵۰ و عرض ۳۰۰ متر و ارتفاع متوسط ۱۲ متر ساختند. نما را از بلوک‌های آهکی با ابعاد بزرگ و شکل‌های نامنظم بنا کردند. اماکن

تخت جمشید را براساس کشفیات باستان‌شناسان این گونه می‌توان فهرست کرد: ۱. پلکان بزرگ؛ ۲. دروازه‌ی بزرگ خشایار معروف به «دروازه‌ی تمام ملل»؛ ۳. راهی که دعوت‌شدگان از آن عبور می‌کردند؛ ۴. پلکان شمالی کاخ آپادانا؛ ۵. کاخ آپادانا؛ ۶. پلکان شرقی آپادانا؛ ۷. کاخ سه دروازه؛ ۸. کاخ اختصاصی داریوش مربوط به پذیرایی‌های رسمی؛ ۹. کاخ خشایارشا مربوط به پذیرایی‌های رسمی؛ ۱۰. کاخ صد دروازه یا تالار تخت؛ ۱۱. دروازه بزرگ ناتمام؛ ۱۲-۱۳-۱۴. محله‌ی سربازان؛ ۱۵. تالار صد ستون (سومین قسمت کاخ خزانه‌ی شاهی)؛ ۱۶. تالار ۹۹ ستونی (قسمت مرکزی خزانه و تالار تخت موقتی که به دستور داریوش ساخته شد)؛ ۱۷. انبارهای خزانه شاهی؛ ۱۸. نمای جنوبی سکو که به طرف دشت در وسط جایگاه شاهی است [گبرشمن، ۱۳۷۷: ۲۰۸؛ گبرشمن، ۱۳۶۴: ۱۸۷-۲۰۱؛ پوپ، ۱۳۶۵: ۴۱-۵۵؛ دورانت، ۱۳۶۶: ج ۱: ۴۴۰-۴۳۸؛ ویسهوفر، ۱۳۸۰: ۴۲-۳۸].

بیان مشخصات جزئی تخت جمشید



بخشی از دیوار تخت جمشید

رشد آموزش هنر  
دوره پنجم شماره دو  
زمستان ۱۳۸۶



هدیه آونندگان تخت جمشید

سر ستون‌ها بسیار دیده می‌شود، نشانه باروری است [پوپ، ۱۳۶۵: ۴۹-۵۰؛ گیرشمن، ۱۳۷۷: ۲۱۳].

هر چند که در نوشته‌های داریوش تصریح شده است که ستون‌ها کار سنگ تراشان یونانی ولیدی است، اما گیرشمن معتقد است که این ستون‌ها به سبک یونانی نیست، هر چند سازنده آن‌ها یونانی باشد. زیرا پایه‌ی زنگوله‌ای شکل آن را در هنر یونانی نمی‌بینیم، تزیین ستون‌های تخت جمشید بیشتر متمایل به عمود است، حال آن‌که تزیین ستون‌های یونانی به بلندی ستون‌های هخامنشی نیست. سر ستون‌های یونانی نیز هرگز از شکل ترکیبی تشکیل نشده‌اند. بنابراین کار انجام شده در تخت جمشید و حتی شوش کاملاً ایرانی است [گیرشمن، ۱۳۷۷: ۲۱۵].

در مجموع درباره‌ی تخت جمشید می‌توان گفت که داریوش برای بزرگداشت عظمت شاهنشاهی خود به ایجاد این پایتخت پرداخته است که پس از او، اردشیر اول و سپس خشایارشا به تکمیل آن پرداختند. داریوش قصد نداشت که دژ نظامی مستحکمی بسازد، بلکه تخت جمشید را به عنوان محل اجتماع و تماس ملت‌های تابع خود بنا کرد. برخلاف عقیده‌ی کسانی که آن‌جا را یک پادگان می‌دانند، گیرشمن معتقد است که به جز دیوار خشتی (خشت خام) تخت جمشید که برج‌هایی نیز دارد و محل استراحت سربازان (نگهبانان کاخ) بود، هیچ برج و بارو و ساختمان نظامی در آن‌جا دیده نمی‌شد [همان، ص ۲۰۹-۲۰۷؛ رجعی، ۱۳۸۱، ج ۳: ۴۷-۵۶]. تخت جمشید به روشنی نماینده‌ی هنر دولتی بود و به نژادها و ملت‌های بسیار این حس را بخشیده بود که همگی اعضای یک جامعه‌ی بزرگ هستند. تخت جمشید را می‌توان تجسم یک آگاهی ملی (امید به آینده) دانست [پوپ، ۱۳۶۵: ۵۴؛ دیاکونوف، ۱۳۸۰: ۱۴۲-۱۳۶].

عبوس نیستند. لباس‌ها بسیار ساده و تنها با چین‌هایی به پارچه‌ترین یافته‌اند [پوپ، ۱۳۶۵: ۴۹-۴۱]. ساختمان‌های قرینه و از هم مجزا هستند که بیشترشان ستون‌های هم ارتفاع دارند. مضمون‌های معروف هنر بین‌النهرین، مانند صحنه‌های شکار و جنگ، مطلقاً در این‌جا وجود ندارد. صف باج‌دهندگان که ثروت امپراتوری را به تخت جمشید می‌آوردند، بسیار چشم‌گیر است. برخی باستان‌شناسان هنر تخت جمشید را پلکان‌هایی نمایشی از امیدها و آرزوهای امپراتوری و نیازهای او به آسمان می‌دانند.

دو پدیده‌ی بسیار شگفت در معماری تخت جمشید، پلکان‌ها و ستون‌های آن است. پلک‌هایی که انسان را از زمین به بالای سطحی که کاخ‌ها بر آن ساخته شده‌اند می‌رساند، در سراسر تاریخ معماری جهان، نظیری ندارد. از نظر ویل دورانت، پارسیان به احتمال قوی این شیوه را از پلکان‌های برج‌ها یا زیگورات‌های میان رودان، اقتباس کرده‌اند. پلکان‌های تخت جمشید منحصر به فرد است به اندازه‌ای بالا رفتن از آن آسان است که ده سوار می‌توانند در کنار هم از آن به بالا روند [دورانت، ۱۳۶۶، ج ۱: ۴۳۸].

ستون‌ها یکی دیگر از اجزای مهم معماری تخت جمشید هستند. قاعده‌ی ستون‌ها به شکل گل «لوتوس» وارونه است که نماد نیروی زندگی بخش است. تا حدودی نمای این ستون‌ها شبیه ستون‌های کاخ شوش است. پایه‌ی آن مربع یا شکل گلدان برگشته است. ساقه شیاردار و سرستون ترکیبی است. پایین ستون از مصر الهام گرفته شده و شبیه به دسته برگ‌های درخت نخل است. و مارپیچ‌های عمودی یونانی در بالای آن، تعبیری دیگر از باروری آن‌هاست. البته برخی، این مارپیچ‌ها را دنباله‌ی عناصر تزیینی زمان «مادها» نیز دانسته‌اند. گاو که در

را با همه‌ی عظمت و اهمیتش، در این مقاله ضروری نمی‌بینم و خواننده‌ی محترم را به کتاب‌های هنر و معماری ارجاع می‌دهم. اما برای شناخت بیشتر عظمت مقر هخامنشیان به بیان برخی از ویژگی‌های خاص تخت جمشید می‌پردازم. در تمام قسمت‌های تخت جمشید تصاویر حجاری شده مربوط به سپاه جاویدان، درباریان، گردنکشان، نمایندگان ملل گوناگون تابعه، اهورامزدا، حیوانات افسانه‌ای و... دیده می‌شود [زرین کوب، ۱۳۶۸، ج ۱: ۲۲۱].

سراسر قسمت‌های تخت جمشید با دقت و حوصله ساخته شده است. در آن‌ها خشونت و رنجی را که در حجاری‌های آشوری وجود دارد، نمی‌توان دید. در عوض نوعی روشنی، سادگی و آرامشی دیده می‌شود که شایسته‌ی حضور پادشاه است. البته در حجاری‌های تخت جمشید ویژگی‌هایی از نقش‌های برجسته‌ی «هیتی» دیده می‌شود، اما از نظر موضوع و خصلت تفاوت‌هایی با موضوع نقش برجسته‌های آشوری دارد. همه‌ی پیکره‌ها در تخت جمشید دارای وقارند، ولی

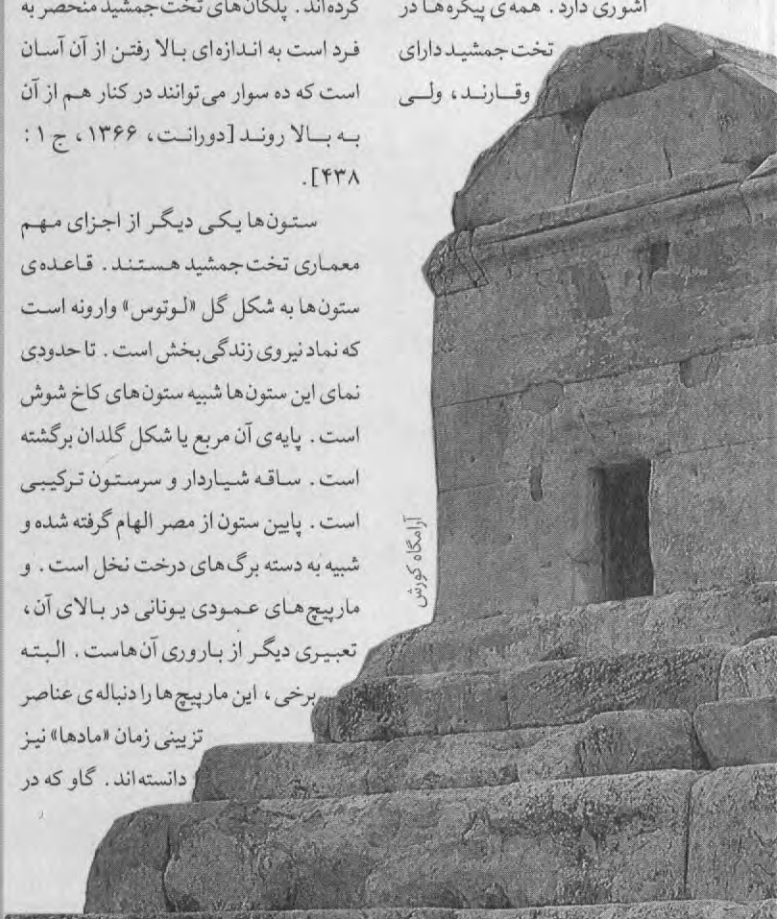


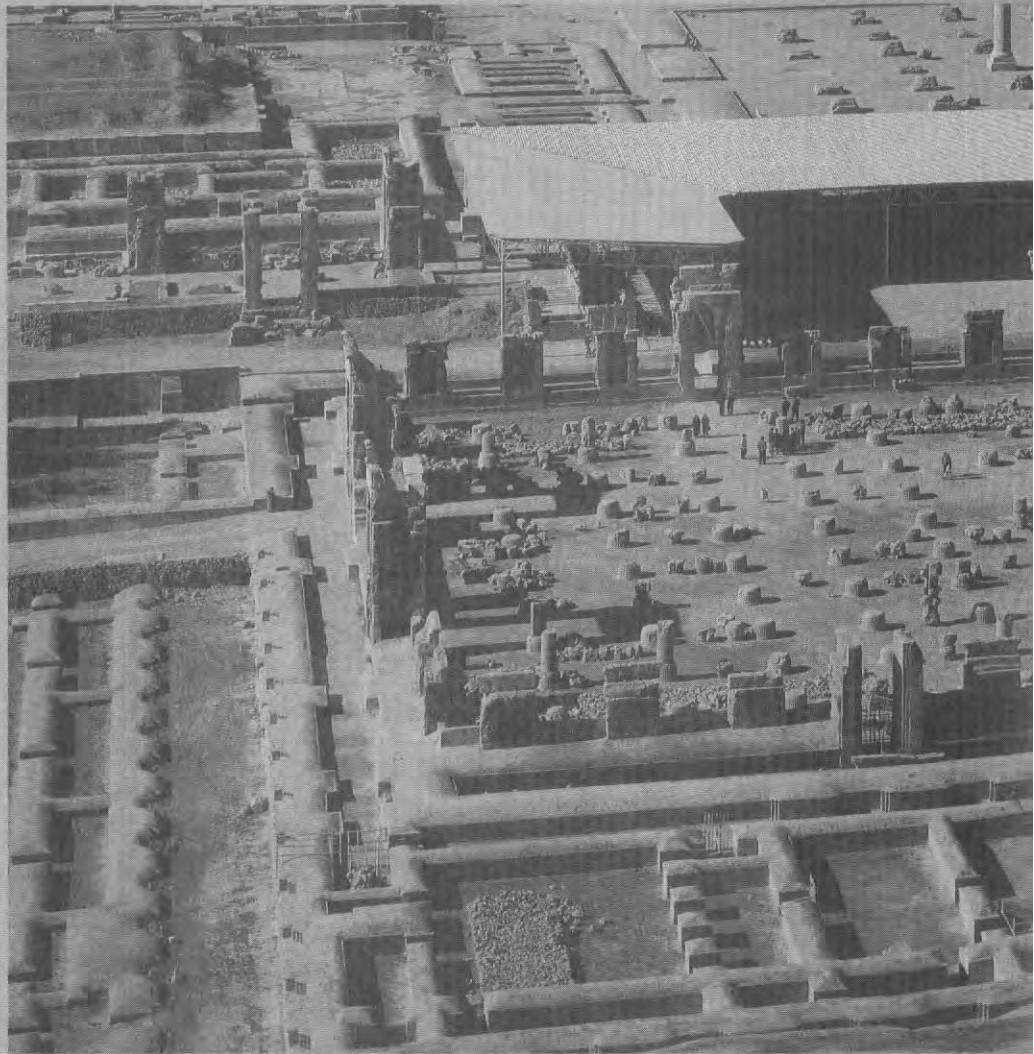
رشد آموزش هنر دوره پنجم/شماره دو زمستان ۱۳۸۶



ستون‌های هخامنشی

آرامگاه کوروش





تخت جمشید

### نقش رستم

در حدود شش کیلومتری شمال - شمال غربی تخت جمشید، محلی وجود دارد که به «نقش رستم» شهرت یافته است.<sup>۶</sup> در این جا آثاری به چشم می خورد که مربوط به دوره ی عیلامی ها، هخامنشیان و ساسانیان است. نقش برجسته هایی از دوره ی عیلامی که از لحاظ مذهبی اهمیت دارند، در آن جا دیده می شود. از این محل در دوره ی هخامنشی به عنوان مدفن پادشاهان بزرگی از این سلسله استفاده شده است که از راست به چپ عبارت اند از:

۱. آرامگاه خشایارشا که رو به جنوب غربی قرار دارد و از دیگر مقبره ها بلندتر و محفوظ تر است.

۲. آرامگاه داریوش اول که دارای سنگ نوشته های میخی شامل نیایش اهورامزدا و مضامین عمیق معنوی است. در این کتیبه داریوش، اعتقادات دینی، اندرزها و نام کشورهای تابع خود را آورده و از خدای بزرگ برای کشور و ملت خود نیکویی و راستی و برکت خواسته است. درون جایگاه و نیز بیرون آن، حجاری های بسیار زیبایی از تمثال شاه و ... دیده می شود.

۳. آرامگاه منسوب به اردشیر اول.

۴. آرامگاه مربوط به داریوش دوم.

علاوه بر آرامگاه ها، بنایی به نام «کعبه ی زرتشت» در پای این تپه روی زمین مسطح به چشم می خورد که به عقیده ی جمعی از باستان شناسان برای آرامگاه ساخته شده بود

و گروهی دیگر آن را محل حفظ آتش مقدس می دانند. در نقش رستم، آثاری نیز از حجاری و سنگ نوشته ی مربوط به دوره ی ساسانیان (نرسی، شاپور اول، بهرام دوم، هرمز دوم و شاپور دوم) به چشم می خورد [مصطفوی، ۱۳۷۵: ۴۲-۳۷؛ ویسپوف، ۱۳۸۰: ۴۵].

### آثار دیگر معماری دوره ی هخامنشی

در سرزمین باستانی پارس، علاوه بر پاسارگاد، تخت جمشید و نقش رستم، آثاری از آتشکده ها و بناها و آثار دوره ی هخامنشی در حاجی آباد، تنگ بولاغی، تل قلعه، سیوند، سیدان، قره قلات و ... توسط باستان شناسان کشف شده اند که محقق رادر شناختن بهتر فرهنگ و تمدن هخامنشیان یاری می دهند.<sup>۷</sup>

در آثار معماری دوره ی هخامنشی، برای ساختن پایه ها و پل ها، بیشتر از سنگ و چوب استفاده می کردند [پوپ، ۱۳۶۵: ۱۰]. در هیچ یک از شکل های معماری ایرانی، تمایلی به این که نور را به داخل بنا راه دهند، دیده نمی شود (در حالی که نور خورشید در ایران فراوان است). بلکه برعکس تمام سعی خود را در جلوگیری از آن به کار می بردند؛ تاحدی که برخی از قسمت های تخت جمشید به کلی فاقد پنجره بود [گذار، ۱۳۶۷، ج ۳: ۶۶].

کننده کاری، علاوه بر سنگ، روی فلزات نیز صورت می گرفت. حکاکان موضوعاتی مانند جدال شاه با جانوران هیولا مانند یا صحنه های شکار و ... را روی سنگ های قیمتی تصویر می کردند [گیرشمن، ۱۳۶۴: ۱۹۸-۱۹۶]. مجسمه سازان تنها به ساختن مجسمه ی شاه و بزرگان می پرداختند و البته نمی توانستند با مجسمه سازان یونانی رقابت کنند [همان، ص ۱۹۵]. از پیکرتراشی بیشتر در مورد اشیای کوچک مانند سر مجسمه ها و مجسمه های کوچک که معمولاً برای نذر به عبادتگاه ها برده



مجله های رشد توسط دفتر انتشارات کمک آموزشی سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش، با این عناوین تهیه و منتشر می شوند:

**مجله های دانش آموزی (به صورت ماهنامه - ۸ شماره در هر سال تحصیلی - منتشر می شوند):**

- **رشد کودک** (برای دانش آموزان آمادگی و پایه ی اول دوره ی ابتدایی)
- **رشد نوآموز** (برای دانش آموزان پایه های دوم و سوم دوره ی ابتدایی)
- **رشد دانش آموز** (برای دانش آموزان پایه های چهارم و پنجم دوره ی ابتدایی).
- **رشد نوجوان** (برای دانش آموزان دوره ی راهنمایی تحصیلی).
- **رشد جوان** (برای دانش آموزان دوره ی متوسطه).

**مجله های عمومی (به صورت ماهنامه - ۸ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می شوند):**

- **رشد آموزش ابتدایی، رشد آموزش راهنمایی تحصیلی، رشد تکنولوژی آموزشی، رشد مدرسه فردا، رشد مدیریت مدرسه**
- **رشد معلم (دو هفته نامه)**

**مجله های تخصصی (به صورت فصلنامه و ۴ شماره در سال منتشر می شوند):**

- **رشد برهان راهنمایی (مجله ی ریاضی، برای دانش آموزان دوره ی راهنمایی تحصیلی)، رشد برهان متوسطه (مجله ی ریاضی، برای دانش آموزان دوره ی متوسطه)، رشد آموزش معارف اسلامی، رشد آموزش جغرافیا**
- رشد آموزش تاریخ، رشد آموزش زبان و ادب فارسی، رشد آموزش زبان**
- رشد آموزش زیست شناسی، رشد آموزش تربیت بدنی، رشد آموزش فیزیک،**
- رشد آموزش شیمی، رشد آموزش ریاضی، رشد آموزش هنر، رشد آموزش قرآن،**
- رشد آموزش علوم اجتماعی، رشد آموزش زمین شناسی، رشد آموزش فنی و حرفه ای و رشد مشاوره مدرسه.**

مجله های رشد عمومی و تخصصی برای آموزگاران، معلمان، مدیران و کادر اجرایی مدارس  
دانشجویان مراکز تربیت معلم و رشته های دبیری دانشگاه ها  
و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می شوند.

◆ نشانی: تهران، خیابان ایرانشهرشمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۸، دفتر انتشارات کمک آموزشی.

تلفن و نمابر: ۸۸۳۰ ۱۴۷۸

می شدند، استفاده می گردید و بیشتر از حجاری به جای مجسمه سازی استفاده می کردند [گیرشمن، ۱۳۷۷: ۲۴۳].

کتیبه های هخامنشی به طور کلی به سه زبان فارسی باستان، بابلی و عیلامی نوشته می شد. و این نشان دهنده ی اوضاع فرهنگی و انسانی قلمرو هخامنشی در نواحی غربی و جنوبی ایران بود. البته کتیبه های اندکی نیز به زبان های غیر پارسی یافت شده است؛ از جمله: کتیبه ی داریوش در مورد ترعه ی نیل به زبان مصری [زرین کوب، ۱۳۶۸، ج ۱: ۲۲۴].

باستان شناسان معتقدند که هنر ساختمانی هخامنشی پس از اردشیر چیز تازه ای ابداع نکرد. تنها کار تزیین پایتخت ها ادامه یافت. برخی، کارهای ناتمام را به پایان رسانیدند، کسانی - مانند اردشیر در شوش - آن چه را که خراب شده بود، مرمت کردند و بعضی مانند اردشیر سوم، در تخت جمشید کاخ های جدیدی بنا کردند. هنر هخامنشی طی یک قرن رو به نابودی رفت [گیرشمن، ۱۳۶۴: ۱۹۳].

با وجود این، از روی لوحه های گلی تخت جمشید و شوش می توان دریافت که کارهای ساختمانی هخامنشی تحت نظر یک سازمان شاهنشاهی اداره می شد. این سازمان در تمام کشورهای تابع شعبه هایی داشته است [گیرشمن، ۱۳۷۷: ۲۴۳]. در زمینه ی ارتباط هنر و مذهب هخامنشی می توان به این نکته توجه کرد که هخامنشیان زردشتی نبودند، بنابراین مردگان خود را به خاک می سپردند. به همین دلیل، در زمان داریوش و پس از وی در دامنه ی کوه نقش رستم آرامگاه هایی ساخته شدند و گاه نیز این آرامگاه ها در دامنه ی کوه رحمت، «پشت تخت جمشید» ساخته می شدند؛ مانند آرامگاه های اردشیر دوم و اردشیر سوم و داریوش سوم.

هخامنشیان برای برخی موضوعات نشانه هایی مجسم می کردند. این عادت از هنر معماری هخامنشی را می توان این گونه وصف کرد:





## برگ اشتراک مجله های رشد

### شرایط

- ۱- واریز مبلغ ۲۰/۰۰۰ ریال به ازای هر عنوان مجله درخواستی، به صورت علی الحساب به حساب شماره ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت شعبه سه راه آزمایش (سرخره حصار) کد ۳۹۵ در وجه شرکت افست.
- ۲- ارسال اصل رسید بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک.

- + نام مجله :  
 + نام و نام خانوادگی :  
 + تاریخ تولد :  
 + میزان تحصیلات :  
 + تلفن :  
 + نشانی کامل پستی :  
 استان : ..... شهرستان :  
 خیابان : .....  
 پلاک : ..... کدپستی :  
 + مبلغ واریز شده :  
 + شماره و تاریخ رسید بانکی :  
 + آیا مایل به دریافت مجله درخواستی به صورت پست پیشتاز هستید؟  بله  خیر

امضا:

نشانی: تهران - صندوق پستی مشترکین ۱۶۵۹۵/۱۱۱  
 نشانی اینترنتی: [www.roshdmag.ir](http://www.roshdmag.ir)  
 پست الکترونیک: [info@roshdmag.ir](mailto:info@roshdmag.ir)  
 امور مشترکین: ۷۷۳۳۶۵۶-۷۷۳۳۹۷۱۳-۱۴  
 پیام گیر مجلات رشد: ۸۸۳۰۱۴۸۲-۸۸۳۳۹۲۲۲

### یادآوری:

- + هزینه برگشت مجله در صورت خوانا و کامل نبودن نشانی، بر عهده مشترک است.
- + مبنای شروع اشتراک مجله از زمان وصول برگ اشتراک است.
- + برای هر عنوان مجله برگ اشتراک جداگانه تکمیل و ارسال کنید (تصویر برگ اشتراک نیز مورد قبول است).

۱. استفاده از سنگ بریده و منظم و نهی بهترین مصالح از نظر مرغوبیت و رنگ از هر جا که ممکن بوده است.

۲. بنای پی کوبی ساختمان روی سکو و تختگاه و ایجاد بست بنا یا لاشه سنگ و سنگ ریزه.

۳. ستون های بسیار بلند با حداکثر فاصله.

۴. پوشش با تیر و تیرچه ی چوبی سخت.

۵. ایجاد پلکان های مالرو.

۶. برش دقیق درگاه ها و آرایش سردرها.

۷. تزئین داخلی و خارجی با رنگ و کاشی لعاب دار.

۸. ایجاد فرش کف با بهترین مصالح موجود.

۹. تزئین محیط اطراف تالارها و کاخ ها با استخر و باغ ها.

۱۰. ارتباط قسمت های مختلف کاخ ها با یکدیگر به وسیله ی راهروهای پنهانی.

۱۱. ایجاد سایبان و آفتاب گیر برای ساختمان ها.

و در یک جمله، معماری هخامنشی دارای صراحت، تعادل، قدرت و استحکام بوده است [گیرشمن، ۱۳۶۴: ۱۸۹].

### زیرنویس

1. Massagetes
۲. البته این نظر زیاد منطقی به نظر نمی رسد، زیرا مقبره های زیادی از دوره ی پادشاهان هخامنشی به یادگار مانده است.
۳. ارس = واحد اندازه گیری طول در تمدن های قدیم.
۴. راجع به اجرای گنومات، ر. ک: هرودوت، ۱۳۶۲: ۲۲۲-۲۲۵.
5. Parsagand
۶. احتمالاً می پنداشتند که نقش برجسته ی رستم، قهرمان بزرگ فرهنگ عامیانه ی ایران در این جا حجاری شده است و بنابراین به این نام

- خواننده شد: ویسهوفر، ۱۳۸۰: ۴۵.  
 ۷. ر. ک: مصطفوی، ۱۳۷۵: ۲۲-۱۶.  
 ۸. ر. ک: پیرنیا، ۱۳۶۹: ۶۲-۴۷.

### منابع

۱. تاجبخش، احمد. تاریخ مختصر تمدن و فرهنگ ایران قبل از اسلام. دانشگاه ملی، تهران. ۱۳۵۵ ش.
۲. پوپ، آرتور. معماری ایران، پیروزی شکل و رنگ. ترجمه ی کرامت اله افسر. بیساولی، تهران. ۱۳۶۵ ش.
۳. پیرنیا، حسن. تاریخ ایران باستان (ج ۱، ۲ و ۳). دنیای کتاب. ۱۳۶۹ ش.
۴. پیرنیا، محمد کریم. شیوه های معماری ایران. مؤسسه ی نشر هنر اسلامی. تهران. ۱۳۶۹ ش.
۵. دوران، ویل. تاریخ تمدن (ج ۴). ترجمه ی ابوالقاسم طاهری. سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی. تهران. چاپ اول. ۱۳۶۶ ش.
۶. رجبی، پرویز. هزاره های گم شده (ج ۳ و ۴). نشر توس. ۱۳۸۱ ش.
۷. زرین کوب، عبدالحسین. تاریخ مردم ایران قبل از اسلام (ج ۱). امیرکبیر، تهران. ۱۳۶۸ ش.
۸. شکوهی، مهرداد. نگاهی به سبک ناشناخته مادی در تاریخ معماری و شهرسازی ایران، مجموعه مقالات تاریخ معماری و شهرسازی ایران (ج ۵). سازمان میراث فرهنگی کشور. تهران. ۱۳۷۴ ش.
۹. ضیایور، جلیل. مختصر تاریخ هنر ایران و جهان. نشر اسلیمی، ۱۳۷۷ ش.
۱۰. گدار، آندره. آثار ایران. ترجمه ی ابوالحسن سروقد مقدم. بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی. مشهد. ۱۳۶۷ ش.
۱۱. گیرشمن، رومن. ایران از آغاز تا اسلام. ترجمه ی محمد معین. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. تهران. ۱۳۶۴ ش.
۱۲. هنر ایران در دوران ماد و هخامنشی. ترجمه ی دکتر عیسی بهنام. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. تهران. ۱۳۷۷ ش.
۱۳. مصطفوی، سید محمد تقی. اقلیم پارس. نشر اشاره. تهران. ۱۳۷۵ ش.
۱۴. ممتحن، حسینعلی. کلیات تاریخ عمومی (ج ۱). انتشارات دانشگاه ملی. تهران. ۱۳۵۵ ش.
۱۵. ویسهوفر، یوزف. ایران باستان از ۵۵۰ پیش از میلاد تا ۶۵۰ پس از میلاد. ترجمه ی مرتضی ثاقب فر. انتشارات ققنوس. تهران. ۱۳۸۰ ش.
۱۶. هرودت. تاریخ هرودت. ترجمه ی غ وحید مازندرانی. مرکز انتشارات علمی و فرهنگی. تهران. ۱۳۶۲ ش.
۱۷. هوار، کلمان. ایران و تمدن ایرانی. ترجمه ی حسن نوشته. انتشارات امیرکبیر، تهران. ۱۳۶۳ ش.

